

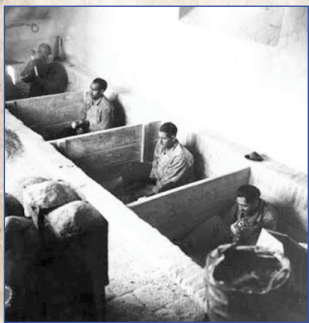
## تولد کتیبه‌سازها در خیابان الماسیه

موقعیت:  
خیابان  
باب‌همایون

موضوع:  
مجمع‌الصنایع



بسیاری از سردرها و کتیبه‌هایی که از دوره قاجار در پایتخت ساخته شد حاصل ذوق و هنر افرادی بود که تحت عنوان «کاشی‌گر» یا «کاشی‌پز» فعالیت می‌کردند و برخی از آنها در مکانی به نام مجمع‌الصنایع که با ایده امیرکبیر در حوالی بازار تهران شکل گرفت چنین مهارتی را آموخته بودند. امیرکبیر بعد از راه‌اندازی دارالفنون و تجمیع دروس آموزشی در این مدرسه تاریخی به صرافت افتاد که تشکیلات مشابهی را برای صاحبان صنعت ایجاد کند. داریوش شهبازی، تهران‌پژوه در این باره می‌گوید: «تبت امیرکبیر از راه‌اندازی مجمع‌الصنایع، مدیریت انباشت دانش و تجربه صنعتگران تهرانی بود. امیرکبیر بر این باور بود که اگر می‌خواهیم در صنعت پیشرفت کنیم باید تشکیلاتی مثل دارالفنون در تهران ایجاد کنیم.»



در نقشه‌کشی و شش‌ و نجم‌الدوله موقعیت مجمع‌الصنایع در ۲ نقطه دیده شده است. این تشکیلات ابتدا در سبزه‌میدان و بازار صندوقدار و بار دوم در حوالی ارگ سلطنتی ایجاد شده و نسل نخست استادکارهایی که بسیاری از کتیبه‌های تهران را ساختند در مجمع‌الصنایع تربیت شدند. هنرمندان و صنعتگران بسیاری در مجمع‌الصنایع مشغول به کار شدند و برخی حجره‌ها به کاشی‌پزا و کاشی‌گرها اختصاص داده شد. برخی از آنها زیر نظر استادکارهایی مثل حسین خاک‌نگار مقدم، ملقب به حسین کاشی آموزش دیدند و در ساخت برخی سردرها و کتیبه‌های تاریخی تهران مشارکت کردند. حسین کاشی کسی بود که سردر باغ ملی، سردر بانک شاهی، کاشی‌کاری رواق حضرت عبدالعظیم و... را انجام داد و یکی از استادان مجمع‌الصنایع بود.

شهبازی می‌گوید: «بعد از قتل امیرکبیر، حسین قلی‌خان معیرالممالک مدیریت مجمع‌الصنایع را بر عهده گرفت. در آن دوره، استادکارها کنار شاگردان فعالیت می‌کردند تا تولید و انتقال دانش به‌طور هم‌زمان انجام شود اما این شرایط دوام چندانی نداشت.»

## تکامل سردرها در معماری خانه‌ها



می‌شد. رخ‌بام در واقع قطار بندی تزئینات ساختمان در لبه دیوار و بام را شامل می‌شود. البته به جز رخ‌بام، طاق‌نما، قرنیز و... هم از دیگر عناصر مهم معماری و سردرها شد.

مسجد و مدرسه شهید مطهری امروز (سپهسالار سابق) در چهارراه سیروس، نمونه دیگری از این سبک معماری متفاوت و ترکیبی محسوب می‌شوند که تمام نمای ورودی به‌عنوان بخشی از نمای کلی بنای طراحی شده است. در این حالت تا حدودی بیشترین ارتباط بین نمای ورودی با نمای مجاور آن فراهم شده است. البته از دوره پهلوی دوم به بعد که سبک معماری غربی در تهران رواج پیدا کرد توجه به سردرها با این شکل و شمایل و تزئینات کمتر شد و اغلب خانه‌ها دارای نماها و سردرهای ساده به سبک غربی شدند. همچنین سردری در خیابان ولی‌عصر (عج)، خیابان سخنور، پایین‌تر از خیابان جمهوری، روبه‌روی بیمارستان نجم‌آبادی وجود داشت که چشم‌نواز بود اما متأسفانه کل بنا را تخریب کردند اما سردر زیبایی آن همچنان باقی است.»



موضوع:  
م تفاوت‌ترین  
سردر و کتیبه  
(تلفیقی از چند  
سبک معماری)

موقعیت:  
محله سرپولک،  
امامزاده حبیبی،  
سرچشمه

در سبک معماری درون‌گرای تهران قدیم که تا اواخر دوره قاجار امتداد یافت اغلب سردرهای خانه‌ها ساده و بدون تصویرسازی بود. در این دوران کمتر به نمای بیرونی خانه‌ها اهمیت داده می‌شد. این روند در دوره پهلوی اول تغییر کرد و روند تحول ادامه یافت تا اینکه در دوران پهلوی دوم طرح‌های متنوع‌تری در خانه‌سازی رواج پیدا کرد که مورد توجه عام و خاص قرار گرفت. اغلب ثروتمندان و افراد شاخص دنبال این بودند که با ترکیب چند سبک معماری متفاوت زیباترین سردر را برای ورودی خانه‌شان تهیه کنند. محمود منیعی، تهران‌پژوه در این باره توضیح می‌دهد: «تقریباً از اواخر دوران قاجار بود که معماری درون‌گرای تهران به سمت برون‌گرایی پیش رفت و پنجره به‌عنوان یک عنصر مهم در نمای خارجی بعضی از خانه‌ها مورد استفاده قرار گرفت و نحوه ترکیب معمارانه آن با فضای ورودی در ساخت و ساز خانه‌ها مدنظر قرار گرفت. اضافه شدن رخ‌بام یکی از مهم‌ترین عناصر تزئینی محسوب

## هنر مهاجران در پایتخت



موضوع:  
طایفه‌های  
کتیبه‌ساز

موقعیت:  
میدان  
توپخانه

همچون کاشی‌کاری، اسلیمی، آجرکاری و فلس‌ماهی تبلور پیدا می‌کند و دسته آخر تزئینات اروپایی شامل گردنبندی‌ها، برگ‌برگی یا گلدانی و گل‌فرنگی است که در دوره قاجار وارد معماری ایرانی شد. لندنی‌کاری‌ها و گچ‌بری‌هایی که از معماری دوره قاجار به جا مانده به همین دسته تعلق دارد.

داریوش شهبازی، تهران‌پژوه درباره ابداع انواع کتیبه‌های آجری با نقش کاشی در پایتخت می‌گوید: «کتیبه‌های آجری با گذشت زمان توسط معمارها و هنرمندان قدیمی به نسل‌های بعدی منتقل شده و انواع کتیبه‌سازی مثل شطرنجی، لوزی، زیگزاگ، رج‌چین، گیاهی، حصیری، جناقی، قطارچین و... را ابداع کردند. این کتیبه‌ها بیشتر روی سردر یا پنجره خانه‌های قدیمی و تاریخی اودلاجان اجرا می‌شد و بسیاری از آنها با گذشت زمان از بین رفت.» یکی از اصول کتیبه‌سازهای دوره قاجار این بود که نامشان را روی کاشی‌ها حک نمی‌کردند و به همین دلیل نام معدود کتیبه‌سازهای دوره قاجار روی کاشی‌های کتیبه‌های تاریخی به جا مانده است. کتیبه‌سازها یا

ساخت کتیبه‌های آجری و سردرها شامل سردر خانه‌ها، سردر پنجره‌ها یا سبزه‌سازها که اکتباسی از معماری غربی است در دوره قاجار رونق گرفت و در تهران به‌شدت مرسوم شد.

کتیبه‌سازی برای آشنایی با هویت خانه‌ها و شناخت اعتقادات ملی و مذهبی صاحب‌خانه‌ها بود و در تهران دوره قاجاری که معماری درون‌گرا داشت، طرحی نو به حساب می‌آمد. کتیبه‌های روزگار قدیم تهران را به ۳ دسته می‌توان تقسیم کرد؛ دسته نخست شامل تزئیناتی مثل گل‌نیلوفر یا فرشته‌بالدار و نبرد انسان با موجودات اساطیری و... به دوره ایران باستان تعلق دارد. دسته دوم عناصر تزئینی که در کتیبه‌ها به چشم می‌خورد بر گرفته از معماری اسلامی است و در هنرهایی

